

بررسی نقش اندازه دولت در تأثیر متغیرهای نهادی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب

علی خواجه محمدلو*، مهدی پدرام** و بهناز مهرجو***

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۲

چکیده

تنوع فعالیت‌های اقتصادی از یک سو و نقش رو به افزایش دولت‌ها در جهت گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی، تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، نقش مولفه‌های نهادی را به مسئله‌ای مهم و تأثیرگذار تبدیل کرده است.

از آنجا که براساس دیدگاه اقتصاددانان نهادگرا، ضعف ساختار و عملکرد نهادها یکی از دلایل توسعه‌نیافتگی است، این پژوهش با هدف بررسی نقش اندازه دولت در تأثیر متغیرهای نهادی شاخص کیفیت حکمرانی، آزادی اقتصادی و تسهیلات اعطایی بخش خصوصی بر توزیع درآمد کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۴ انجام شده است.

الگوسازی داده‌ها براساس روش رگرسیون آستانه‌ای انجام شده است که نسبت به سایر روش‌های تخمین، برآوردهای سازگارتری ارائه می‌نماید. در ادامه با استفاده از آزمون ریشه واحد لوین لاین چو نسبت به تعیین مانایی داده‌ها اقدام گردید. نتایج آزمون نشان می‌دهد که در طی دوره پژوهش متغیرهای حکمرانی خوب، تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی و ضریب جینی در سطح مانا و متغیرهای اندازه دولت و آزادی اقتصادی با یک‌بار تقاضای گیری مانا می‌شوند.

به منظور برآورد مدل با استفاده از آزمون رگرسیون آستانه‌ای، با توجه به اینکه برای تصریح یک الگوی غیرخطی، ابتدا تصریح مدل خطی جهت ایجاد یک الگوی پایه برای آزمون کردن فرضیه خطی بودن مدل انجام می‌شود. مدل خطی حداقل مربعات تعمیم یافته عملی در چارچوب آزمون‌های تشخیصی (خودهمبستگی، ناهمسانی واریانس و داشتن توزیع نرمال)، آزمون F لیمر و آزمون هاسمن به صورت رگرسیون‌های پنل دیتا با اثرات ثابت زمانی تخمین زده شده است. براساس نتایج بدست آمده، آزمون تصریح الگوی رمزی رضایت بخش نیست که نشان‌دهنده خطای تصریح مدل خطی می‌باشد که نتیجه مذکور این احتمال را تقویت می‌کند که رابطه غیرخطی به الگوی واقعی نزدیک‌تر می‌باشد.

برآورد مدل رگرسیون آستانه‌ای، با استفاده از سطوح آستانه‌ای محاسبه شده و آزمون‌های اثر آستانه‌ای انجام شده صورت گرفته است. مقادیر سطوح آستانه‌ای بدست آمده برای متغیر اندازه

* دانشجوی دکتری اقتصاد، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
(ali.urmia66@yahoo.com)

** استاد اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

*** کارشناس ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

دولت ۷/۸۵ و ۸/۱۶ می‌باشد. سطوح آستانه‌ای بدست آمده نشان می‌دهد زمانی که اندازه دولت به ۷/۸۵ درصد می‌رسد تابع توزیع درآمدی دچار شکست شده و نحوه اثر متغیرهای الگو بر میزان توزیع درآمد تغییر می‌کند. در مرحله بعد جستجو برای یافتن آستانه دوم نشان می‌دهد که وقتی اندازه دولت ۸/۱۶ درصد است، بار دیگر نحوه تأثیر متغیرهای آزادی اقتصادی، تسهیلات اعطایی بخش خصوصی و حکمرانی خوب بر توزیع درآمد تغییر می‌کند.

همچنین با توجه به این که براساس آزمون اثر آستانه‌ای مقادیر آستانه معنی‌دار می‌باشند، تأثیر ضرایب به‌دست‌آمده در مدل متأثر از مقادیر آستانه‌ای به‌دست آمده می‌باشد. تحلیل نتایج بدست آمده از برآورد مدل رگرسیون آستانه‌ای حاکی از آن است که در رژیم دولت بزرگ متغیرهای شاخص کیفیت حکمرانی و آزادی اقتصادی بیشترین تأثیر منفی معنی‌دار و تسهیلات اعطایی بخش خصوصی تأثیر مثبت معنی‌دار بر توزیع درآمد دارند.

یافته‌های این تحقیق، لزوم برنامه‌ریزی و جهت‌گیری اصولی در کشورهای منتخب را در راستای بهبود شاخص‌های اندازه دولت، حکمرانی خوب و آزادی اقتصادی، تنظیم مقررات، افزایش کارایی و اثربخشی و حمایت از بخش خصوصی را تأیید می‌کند.

طبقه بندی JEL: O_{16} ، O_{40} ، E_{58} ، F_{13} ، C_{22}

واژه‌های کلیدی: عوامل نهادی، اندازه دولت، توزیع درآمد، رگرسیون آستانه‌ای

۱- مقدمه

دستیابی به توسعه و قرارگرفتن در مسیر آن از دغدغه‌های مهم و اصلی کشورهای درحال توسعه می‌باشد. نبود رشد اقتصادی، تبعیض، تخریب محیط زیست، نابرابری، فقر، بیکاری پنهان بالا، استفاده و تخصیص نادرست منابع مادی و انسانی، نرخ شهرنشینی فزآینده، فساد، گسترش نامتعادل بخش دولتی، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، بالا بودن نرخ تورم و هزینه‌های مصرفی بیشتر دولت، از جمله چالش‌هایی هستند که کشورهای درحال توسعه با آن رو به رو هستند. از سوی دیگر، آمارهای سازمان‌های جهانی و مطالعات انجام شده در حوزه توسعه بیانگر این است که «شاخص حکمرانی خوب» یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه و رشد کشورها می‌باشد؛ بطوریکه حکمرانی خوب را بنیان توسعه نامیده‌اند (Jasbi & Nafri, 2010).

یکی از مهم‌ترین مباحثی که تا به امروز کشورها با آن رو به رو بوده‌اند حکمرانی می‌باشد. مسئولان سیاسی و رهبران همواره کوشش می‌کنند که نظام سیاسی‌شان را کارآمدتر نمایند. تمام دولت‌ها مدعی هستند که بسترسازی می‌کنند تا از طریق بهسازی نهادی، فردی و اجتماعی، زمینه حکمرانی خوب را فراهم کنند؛ اما این که تا چه اندازه به این مهم دست پیدا کرده‌اند، نیاز به بررسی و بحث دارد. حکمرانی در ذات خود تعامل و همکاری بین نظام سیاسی و جامعه مدنی یا تعامل بین شهروندان و دولت را دارد. حکمرانی به پویایی‌ها یا مراحل تصمیم‌گیری در جامعه، چگونگی استفاده از قدرت و نحوه روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره دارد. به گونه‌ای بنیادین حکمرانی در پیوند با نحوه استفاده از قدرت، پاسخگویی و تعامل معنا می‌یابد (Kabiri, 2010).

از سوی دیگر ارزیابی نابرابری توزیع درآمد در جامعه و کمی‌کردن آن، شناسایی عوامل و ریشه‌های افزایش‌دهنده و راهکارهای کاهش آن، مرکز توجه اقتصاددانانی است که به مسائل توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی پایدار توجه دارند و یکی از اهداف و وظایف عمده دولت را توزیع درآمد ذکر می‌کنند. فقر و نابرابری یکی از واقعیت‌های دشوار زندگی انسان‌های زیادی در طول تاریخ و در تمام کره خاکی بوده است. ممکن است در ابتدا این موضوع ساده به نظر برسد، اما هم از روش‌های اجرایی مقابله با آن و هم دیدگاه مسائل نظری، مسئله‌ای پیچیده است. مفهوم فقر که زمانی محدود به فقر درآمدي و به معنای دسترس نداشتن به مهمترین نیازهای انسان، مانند غذا و سرپناه بود، در پرتو تغییر در نگرش به فقر در علوم اجتماعی و اقتصاد در دهه‌های اخیر به مفهوم پیچیده فقر قابلیت‌ی و مقولاتی از قبیل دسترس نداشتن به فرصت‌های برابر، آموزش و بهداشت، محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی از جمله عدم امکان برخورداری از مشارکت در نهادهای اجتماعی، عدم برخورداری از آزادی‌های سیاسی و

اجتماعی، نقض حقوق مدنی و عدم توانایی در خروج از وضعیت فقر، گسترش یافته است.

با بررسی مطالعات صورت گرفته توسط پژوهشگران مشاهده می‌شود که دیدگاه‌های متفاوتی در مورد میزان رابطه این متغیرها وجود دارد و همچنین کار مطالعاتی در مورد میزان تأثیر پذیری یا تأثیر ناپذیری توزیع درآمد از متغیرهای نهادی به طور مستقیم صورت نگرفته و بیشتر به بررسی رابطه خطی این متغیرها با سایر متغیرهای کلان پرداخته شده است. در اینجا متغیرهای نهادی، متغیرهای مورد نظر محقق هستند که شامل شاخص حکمرانی خوب و آزادی اقتصادی می‌باشد. بنابراین، انجام این پژوهش با هدف بررسی نقش اندازه دولت در تأثیر متغیرهای نهادی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب^۱ (کشورهای با کیفیت نهادی، اندازه دولت و درآمد سرانه بالا و کشورهای با کیفیت نهادی، اندازه دولت و درآمد سرانه پایین) طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۵ با استفاده از الگوی رگرسیون آستانه‌ای و پاسخگویی به این پرسش اصلی تحقیق، که چگونه اندازه دولت در تأثیر آزادی اقتصادی، تسهیلات اعطایی بخش خصوصی و شاخص کیفیت حکمرانی، توزیع درآمد را در کشورهای منتخب به صورت معنی‌داری متأثر می‌سازند، ضروری است. در ادامه، پژوهش بدین صورت است: ابتدا مبانی نظری موضوع بیان می‌شود سپس، مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در این رابطه مرور گردیده و در ادامه روش‌شناسی پژوهش، برآورد مدل و سرانجام بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- مبانی نظری

۲-۱-۱- اندازه دولت و توزیع درآمد

اهمیت توزیع درآمد در جامعه به اندازه‌ای است که تقریباً همه اقتصاددانان یکی از وظایف عمده و اهداف دولت را توزیع درآمد بیان می‌کنند (Hoseini, 2009). کوزنتس معتقد است که در کشورهایی در حال توسعه (که در سطوح متفاوت درآمدی قرار داشتند) با بالارفتن درآمد تا حد معینی نابرابری افزایش می‌یابد؛ و سپس با افزایش

¹ Iran, Argentina, Armenia, Austria, Belgium, Costa Rica, Cyprus, Czech Republic, Denmark, Dominican, Ecuador, Estonia, Finland, France, Greece, Honduras, Hungary, Ireland, Italy, Latvia, Luxembourg, New Zealand, Norway, Norway Portugal, Russia, Slovenia, Spain, Sweden, Turkey, Ukraine, the United Kingdom, Uruguay, Poland, Canada, Kazakhstan, Kyrgyzstan.

درآمد و تولید، کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، شکل واژگون U رابطه میان درآمد سرانه و نابرابری را برای یک کشور در طول زمان نشان می‌دهد (Akbari, 2011).
 براساس نتایج بدست آمده کوزنتس در مورد رابطه میان توزیع درآمد و رشد اقتصادی، بین اندازه دولت و نابرابری توزیع درآمد نیز ممکن است رابطه‌ای غیرخطی وجود داشته باشد. یعنی زمانی که اندازه دولت کوچک می‌باشد، مخارجش که به طور عمده معطوف به فراهم ساختن زیرساخت‌ها، تهیه کالاهای عمومی، تقویت سرمایه انسانی از طریق مخارج آموزشی و بهداشتی است از طریق تقویت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی می‌تواند بر بهبود توزیع درآمد تأثیر مثبتی داشته باشد اما بزرگ شدن بیش از اندازه دولت در اقتصاد و افزایش ناکارایی‌های اقتصادی و گسترش رانت‌جویی و اختلال در سازوکار بازار می‌تواند منجر به تشدید نابرابری توزیع درآمد و تضعیف رشد اقتصادی به نفع گروه‌های رانت‌جو شود زیرا بزرگ شدن اندازه دولت در بازار و ایجاد محدودیت‌های قیمتی، محدودیت‌های بازرگانی، اعطای امتیازات و کمیابی‌های ساختگی و انحصارات، باعث ایجاد رانت اقتصادی می‌شود.

همچنین، بزرگ‌تر شدن اندازه دولت در شرایط اقتصادهای نفتی (از جمله ایران) امکان ایجاد شرایطی مانند: کاهش پاسخگویی دولت در مقابل مردم و نهادهای مدنی، رانت نفتی و همچنین افزایش فشار گروه‌های با نفوذ برای کسب موقعیت‌های رانتی در بودجه دولت را فراهم می‌کند (Mehdiloo et al, 2015). هر چند که رانتی بودن اقتصاد کشورها ممکن است باعث شود در رژیم دولت کوچک نیز، افزایش اندازه دولت بر بهبود توزیع درآمد تأثیر معناداری نداشته باشد. زیرا رانت‌جویی حاصل از درآمدهای نفتی، ممکن است اثرات مثبت آموزشی و مخارج زیرساختی دولت را خنثی کند.

۲-۱-۲- شاخص کیفیت حکمرانی و شاخص‌های آن

امروزه بحث «شاخص کیفیت حکمرانی» در محافل علمی مورد توجه جدی واقع شده است. حتی می‌توان آن را ویژگی بارز یک دولت کارآمد دانست و با توجه به پیامدهای حاصل از دو الگوی، نقش حداقلی دولت و نقش حداکثری دولت در فعالیت‌های اقتصادی می‌توان به این نتیجه رسید که حضور حکمرانی خوب برای توزیع برابر درآمدها و کاهش سطح فقر الزامی است (shakibai et al, 2016). بانک جهانی پس از آنکه

در اجرای سیاست‌های تعدیل^۲ یا همان اجماع واشنگتنی، در برخی کشورها ناموفق بود، به این نتیجه رسید که دولت‌ها نمی‌توانند در اجرای توصیه‌های این بانک و آزاد ساختن قیمت‌ها موفق عمل کنند، چون دولت‌ها در آن کشورها شرایط لازم را ندارند. به بیان دیگر، اجرا و پذیرش سیاست‌های تعدیل و توصیه‌های بانک جهانی به دولتی نیاز دارد که این دولت در آن کشورها وجود ندارد. این در واقع اولین مرحله ظهور و شکل‌گیری اندیشه «شاخص کیفیت حکمرانی» است (Naderi, 2011).

شاخص کیفیت حکمرانی مفهوم بسیار گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد بخش خصوصی، دولت و جامعه مدنی است که همه آن‌ها برای توسعه انسانی پایدار با اهمیت هستند. دولت محیط حقوقی و سیاسی بارور به وجود می‌آورد، بخش خصوصی درآمد و اشتغال را پدید می‌آورد و جامعه مدنی تعامل اجتماعی و سیاسی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تسهیل می‌نماید. شاخص کیفیت حکمرانی علاوه بر این که روایتی نو از مفاهیمی چون حقوق بشر، مشارکت، دموکراسی، حاکمیت قانون و پاسخگویی است، در عین حال چارچوبی به دست می‌دهد که همه این ارزش‌ها و اهداف در یک‌جا انباشته شوند و اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با محوریت مردم، دنبال شود. شاخص کیفیت حکمرانی بیان‌گر توسعه انسان محور است. این بحث شاخص کیفیت حکمرانی از اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح شد. این نهاد معتبر بین‌المللی، در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر کرده است، برای اولین بار شاخص کیفیت حکمرانی را به عنوان نظام قضایی قابل اعتماد، ارائه خدمات عمومی کارآمد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرده است (Stowe, 1992). تعریفی که بانک جهانی برای حکمرانی ارائه نموده، این‌گونه است که آن را به عنوان نهاد و سنت‌هایی تعریف می‌کند که به وسیله آن‌ها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و شاخص‌های مورد نظر عبارتند از:

- (۱) ثبات سیاسی (۲) حق اظهارنظر و پاسخگویی (۳) کیفیت قوانین و مقررات (۴) کارایی و اثربخشی دولت (۵) کنترل فساد (۶) حاکمیت قانون

^۲ در طول دو دهه آخر قرن بیستم، نظریه و عملکرد اقتصاد توسعه تحت تأثیر یک مجموعه از سیاست‌هایی قرار داشته که جان ویلیامسون آن‌ها را «اجماع واشنگتنی» نامیده است. این سیاست‌ها در آمریکای لاتین به سیاست‌های نئولیبرالیسم معروفند، اما خیلی از صاحب‌نظران آن‌ها را «سیاست‌های بازار باز» می‌نامند. در ایران به آن‌ها «سیاست‌های تعدیل» می‌گویند (یوسفی، ۱۳۸۵: ۱۵۴). محورهای اصلی این سیاست عبارتند از: آزادسازی تجاری، انضباط مالی، واقعی کردن قیمت ارز و تأکید بر خصوصی‌سازی.

۳-۱-۲- تأثیرپذیری توزیع درآمد از مولفه‌های شاخص‌های حکمرانی خوب

همانطور که بیان شد، شاخص کیفیت حکمرانی شامل شش مؤلف است، که در این قسمت به بیان نظری ارتباط توزیع درآمد با این مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود:

(۱) حق اظهارنظر و پاسخگویی: آزادی‌های قانونی، انتشار آزاد اطلاعات و وجود نهادهای مدنی که بیانگر وجود پاسخگویی و حق اظهارنظر هستند، باعث شفافیت اجتماعی و اقتصادی و تقویت آگاهی‌های عمومی می‌شوند، که موجب می‌شود، صاحبان کسب و کار از قدرت و بینش لازم برای نقد سیاست‌های اقتصادی دولت و مقابله با تغییرات نابجا در مقررات برخوردار شوند که این امر، هزینه‌های کسب و کار را کاهش می‌دهد و به این صورت، باعث توسعه کسب و کار و افزایش رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌شود و این امر نیز به نوبه خود موجب تغییر توزیع درآمد می‌شود (Baradaranshoraka & MalekSadati, 2008).

(۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت/ تروریسم: شاخص ثبات سیاسی، نشان‌دهنده نبود خشونت در جامعه است. بدیهی است، ترور، درگیری‌های جناحی و کودتا و پدیده‌هایی مانند این، با ایجاد بی‌ثباتی سیاسی، باعث افزایش نااطمینانی و ریسک در حوزه اقتصادی در یک کشور می‌شود و از این طریق باعث کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی و به دنبال آن کاهش درآمد سرانه و رشد اقتصادی و توزیع نابرابر درآمد می‌گردد. (۳) اثربخشی دولت: اثر بخشی دولت به مفهوم توانایی دولت در تهیه و اجرای سیاست‌های صحیح و لازمه آن بهره‌مندی از یک سازمان اداری کارآمد است. همچنین بروکراسی‌های شایسته می‌توانند به کارآفرینان منفرد کمک کنند تا از پس مشکلات هماهنگی برآیند که این خود ممکن است باعث افزایش سرمایه‌گذاری، تولید بیشتر و رشد اقتصادی و اشتغال بیشتر و بدنبال آن بهبود توزیع درآمد در جامعه شود (Baradaranshoraka & MalekSadati, 2008).

(۴) کیفیت تنظیم مقررات: قوانین و مقررات کارآمد و مطلوب، یکی از ضروری‌ترین نهادهایی است که می‌تواند بر عملکرد اقتصادی کشورها تأثیر بگذارد، به گونه‌ای که قوانین و مقررات مختل‌کننده در مسیر راه اندازی یک کسب و کار به اشکال گوناگون، در مجموع هزینه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند و با توجه به بالا بودن هزینه‌های سرمایه‌گذاری در امر تولید و عدم حمایت اصولی و مناسب از سرمایه‌های کوچک، تنها سرمایه‌داران کلان وارد این مسیر شوند، که این خود افزایش شکاف طبقاتی، افزایش بیکاری، افزایش نابرابری درآمدی و فقر می‌شود (Baradaranshoraka & MalekSadati, 2008).

(۵) حاکمیت قانون: بیانگر میزان ارزش قائل شده به وسیله دولت‌مردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آن‌ها و حل اختلافات

ایجاد شده‌اند (World Bank, 2003). همچنین ضمانت حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهای، کلیدی برای هدایت صحیح منابع سرمایه‌گذاری مولد است، که این خود، باعث افزایش سرمایه‌گذاری و گسترش تولید و اشتغال می‌باشد، که به تبع آن به توزیع بهتر درآمد کمک می‌کند.

۶) کنترل فساد: فساد را عموماً، سوءاستفاده از مناصب دولتی برای تأمین منافع شخصی تعریف می‌کنند (Maidari & Khairkhahian, 2004). گوپتا و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که فساد از راه‌هایی همچون کاهش رشد اقتصادی، هدف‌گیری ناکارآمدتر الگوهای اجتماعی، عدم توازن در دسترسی به آموزش، انحرافات سیاسی به نفع نابرابری در تملک دارایی، کاهش هزینه‌های اجتماعی و افزایش ریسک و نااطمینانی در سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاری برای فقرا، فقر و نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد (Gupta et al, 2002).

۲-۱-۴- تاثیرگذاری اندازه دولت بر نحوه اثرگذاری حکمرانی خوب بر توزیع درآمد

دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار که از دهه ۷۰ تا ۹۰ ادامه داشت، دوره‌ای است که در آن به نقش حداقلی دولت در توسعه تأکید می‌کرد. اگرچه این دیدگاه (مکتب شیکاگو) خصوصی‌سازی را مناسب دانسته و کاهش سهم دولت در تولید ناخالص ملی و محدودتر کردن نقش دولت در اقتصاد را خواهان بود، نارضایتی‌های به وجود آمده نسبت به دولت حداقلی موجب شد که از پایان دهه ۹۰ میلادی، رویکرد حکمرانی خوب مورد استقبال گسترده قرار بگیرد؛ به گونه‌ای که اقتصاددانان نهادگرا معتقد بودند که بازار و دولت دو نهاد مکمل هستند و نه دو نهاد رقیب (Bashiri & Shaghaghi, 2011).

بر این اساس حکمرانی خوب شامل پاسخگویی، مشارکت، شفافیت، کارایی و تساوی است که تأمین امنیت را ارتقا می‌دهد (Abdellatif, 2003). حکمرانی خوب الگوی جدیدی برای توسعه پایدار است که بر همکاری مبتنی بر شراکت و تعامل سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی تأکید دارد تا به وسیله آن کشورها بتوانند از همه توانمندی‌های خود در توسعه همه جانبه استفاده کنند. برجسته‌ترین ویژگی حکومت‌های دموکراتیک، حکمرانی خوب است (Sardarnia, 2009). در واقع دموکراسی مقدمه‌ای برای حکمرانی خوب است. در حالی که حکمرانی خوب، دموکراسی را ارتقا می‌دهد، اما بدون دموکراسی رسیدن به حکمرانی خوب خیالی بیش نیست (Kigongo & kaddu, 2010).

«صندوق بین‌المللی پول» در سال ۱۹۹۶ بیان کرد که دستیابی به حکمرانی خوب از طریق حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، پاسخگویی بخش دولتی و بهبود کارایی امکان پذیر است (صندوق بین‌المللی پول). حال با توجه به شرایطی از قبیل نابرابری، فقر،

گسترش نامتعادل بخش دولتی، فساد، تبعیض، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی توجه به حکمرانی خوب اهمیت پیدا می‌کند، تا این کشورها به اصلاح دولت به طور اساسی بپردازند.

نقش دولت و سیاست‌های آن در رشد اقتصادی یک کشور و نقشی که دولت علاوه بر تامین امنیت می‌تواند در راستای تامین زیر ساخت‌های اقتصادی ایفا کند امری انکارناپذیر می‌باشد. اما از آنجایی که بخش‌های دولت اغلب به صورت ناکارا اداره و اجرا می‌شوند و تعدیل سیستم‌های مختلف دولتی روی اقتصاد کشور، بار و هزینه زیادی وارد می‌کند و بیشتر سیاست‌های پولی و مالی دولت به سمت انحراف انگیزه‌های اقتصادی و پایین آوردن سطح کارایی تمایل دارند، می‌توان گفت ممکن است اندازه دولت یکی از موانع حکمرانی خوب در سطح کشورها باشد. به بیانی دیگر بزرگ شدن دولت‌ها می‌تواند با افزایش ناکارآمدی دولت‌ها بر نحوه حکمرانی تأثیرگذار بوده و کیفیت آن را کاهش دهد (Mohammadzadeh, 2017). فساد، را می‌توان تعریف محدودتری از حکمرانی ضعیف بیان کرد؛ یعنی سو استفاده و بهره‌مندی بیش از حد از قدرت یا امکانات عمومی در جهت فواید خصوصی. محیط‌های با حکمرانی ضعیف، انگیزه و فرصت‌های بیشتری برای رخ دادن فساد فراهم می‌سازد (World bank, 2002). بنابراین اگر حکمرانی خوب را به عنوان فرآیند مطلوب و صحیح توسعه در یک جامعه فرض کنیم، می‌توانیم با بررسی تأثیر اندازه دولت بر اثرگذاری حکمرانی خوب، مسیر منطقی‌تر و بهتری برای بررسی نقش اندازه دولت در اثرگذاری حکمرانی خوب بر روی توزیع درآمد ترسیم نماییم.

رس-آکرمن و پالیفکا^۳ (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که پدیده فساد، داد و ستد فواید بین بخش خصوصی و دولتی است که طی آن منافع عمومی به سمت منافع خصوصی انتقال می‌یابد. بنابراین می‌توان به طور ساده‌تر چنین بیان کرد که فساد در بخش دولتی موضوعیت پیدا می‌کند. از این رو، افزایش اندازه دولت، طبیعتاً می‌تواند همراه با افزایش فساد در اقتصاد کشور و در نتیجه افزایش نابرابری توزیع درآمد باشد. موور^۴ (۱۹۶۶) بر این باور است که با بزرگ‌تر شدن اندازه دولت و رانتیر شدن فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن فعالیت‌های اجتماعی، آزادی‌های اقتصادی مردم محدود می‌شود و این به نوبه خود در تضاد با ایجاد جامعه مدنی می‌باشد. دولت رانتیر به علت بهره‌گیری از درآمدهای ناشی از رانت، نیاز چندانی را به مالیات احساس نمی‌کند و در نتیجه چنین روندی نیز افزون بر آن که توانمندی توزیع عادلانه قدرت و ثروت در جامعه را به تدریج از بین می‌برد، همچنین دولت نسبت به استخراج بهینه سایر توانمندی‌ها

³ Rose-Ackerman & Palifka

⁴ Moore

در جامعه نیز کم توجه می‌شود که پیامد آن این است که جامعه به توسعه یافتگی لازم نمی‌رسد (Askari, 2010). از کانالی دیگر، وقتی اندازه دولت کوچک باشد، دارای عملکرد مثبت در حمایت از مالکیت بخش خصوصی و فراهم آوردن کالای عمومی است. از سوی دیگر افزایش بیش از اندازه دولت و دخالت آن در اقتصاد نیز می‌تواند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه تولید کل اقتصاد، از طریق جانشینی جبری اثر منفی داشته باشد. همچنین با افزایش اندازه دولت و مداخلات و تصدیگری‌های نادرست آن در اقتصاد، موجبات تخصیص ناکارآمد منابع عمومی جامعه فراهم شده و باعث اختلال در عملکرد سیستم بازار و کاهش رفاه اجتماعی می‌گردد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

۲-۲-۱- مطالعات داخلی

اگرچه در زمینه تأثیر عوامل نهادی همچون شاخص کیفیت حکمرانی، آزادی اقتصادی و تسهیلات اعطایی بخش خصوصی بر توزیع درآمد در داخل کشور مطالعه‌ای جامع انجام نشده، و از سوی دیگر تاکنون به اندازه دولت در این کشورها توجهی صورت نگرفته است. به طور غیرمستقیم به بررسی تأثیر شاخص‌های کیفیت حکمرانی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران مطالعات متنوعی انجام شده است که به اختصار بدان اشاره می‌شود:

شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۸۹) به بررسی حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۶ پرداختند، نتایج پژوهش حاکی از این است که کشورهایی که نهاد تنظیم‌گری و کیفیت حکمرانی آن‌ها بهتر بوده است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری جذب کرده و منابع و امکانات کشور را بیشتر به سمت افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه سوق داده‌اند (Shahabadi & Pourjavan, 2010).

سامتی و همکاران (۱۳۹۰) به تحلیل تأثیر شاخص‌های کیفیت حکمرانی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای جنوب شرقی آسیا در طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۰ میلادی پرداختند و نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های کیفیت حکمرانی، اثر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی دارند (sameti et al, 2011).

رنجبر و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی ارتباط درآمدهای نفتی و کیفیت با رشد (مطالعه موردی کشورهای اوپک) پرداخته‌اند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری میزان ارتباط درآمدهای نفتی و کیفیت نهادی از داده‌های ۱۳ کشور عضو اوپک طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۰ و از روش حداقل مربعات دو طرفه استفاده شده است. نتایج حاکی از رابطه منفی بین درآمدهای نفتی و کیفیت نهادی بوده است (Ranjbar et al, 2012).

سپهر دوست و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر شاخص کیفیت حکمرانی بر عملکرد درآمدی نظام مالیاتی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته GMM طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۲ پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که متوسط شاخص کل شاخص کیفیت حکمرانی، درآمدهای مالیاتی را به میزان ۱۰/۴۲ واحد تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین در ارتباط با کانال‌های اثرگذاری نیز مشخص گردید که شاخص اثربخشی دولت و کیفیت مقررات، به میزان ۸/۳۷، شاخص شفافیت (پاسخگویی) و ثبات سیاسی، به میزان ۹/۱۱ و همچنین شاخص تأمین قضایی و کنترل فساد، به میزان ۱۰/۳۱، بر درآمد مالیاتی ایران و کشورهای منتخب اثری مثبت و معنی‌دار دارند (Sepehrdoust et al, 2015).

نعمت نژاد (۱۳۹۴) به بررسی اثر کیفیت مقررات به عنوان یکی از شاخص‌های تشکیل‌دهنده شاخص کیفیت حکمرانی بر روی توزیع درآمد با استفاده از داده‌های ۱۰ کشور دنیا که از کشورهای با درآمد بالا و متوسط رو به بالا انتخاب شده‌اند و همچنین با بکارگیری روش داده‌های تابلویی (ایستا و پویا) به بررسی این اثر در بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۲ پرداخته است. نتایج نشان داده است که کیفیت مقررات تأثیر منفی و معناداری روی ضریب جینی داشته است. بنابراین بهبود در شاخص کیفیت مقررات موجب بهبود در روند توزیع درآمد شده است (Nematnejad, 2015).

جلالی نائینی و غفاری (۱۳۹۴) به بررسی تجربی نقش نهادها در نابرابری پرداخته‌اند. به منظور تعیین علّیت و جهت ارتباط کیفیت محیط نهادی و نابرابری از یک الگوی خودهمبستگی برداری (var) برای دوره زمانی ۱۹۷۲-۲۰۰۹ استفاده شده است. برای غلبه بر محدودیت داده، این الگو در قالب یک پنل متشکل از داده‌های ۱۲۱ کشور آزمون شده است. نتایج نشان می‌دهد، کیفیت محیط نهادی بر میزان نابرابری مؤثر است و کیفیت بهتر محیط نهادی نابرابری کمتری را در پی خواهد داشت؛ به عبارت دیگر شواهد، علّیت از نهادها به نابرابری را تأیید می‌کند ولی در جهت عکس شواهد ضعیفی وجود دارد (Jalali Naeini, 2015).

شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر نهاد حکمرانی بر برابری درآمد کشورهای منتخب با بهره‌گیری از تکنیک‌های متداول اقتصادسنجی (رهیافت پانل دیتا) طی دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۲ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که، یک رابطه معنی‌دار و مثبت بین حکمرانی و برابری درآمد در کشورهای مورد مطالعه وجود دارد. همچنین براساس نتایج بدست آمده، تأثیر متغیرهای سرمایه انسانی، یارانه‌های اعطایی توسط دولت و توسعه مالی بر برابری درآمد مثبت و معنادار است. همچنین تأثیر نرخ تورم و متغیر ترکیبی تفاوت نرخ رشد جبران خدمات نیروی کار نیز بر برابری درآمد مثبت اما بی‌معناست. رابطه متقابل متغیر فراوانی منابع طبیعی با حکمرانی بر برابری درآمد، مثبت و معنادار است (Shahabadi, 2016).

خسروآبادی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی رابطه شاخص کیفیت حکمرانی با نابرابری درآمدی در کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توس با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی (پانل داده ها) و سری زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۹ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از برآورد شاخص‌های حکمرانی بر نابرابری درآمدی در دو گروه منتخب نشان داد که شاخص کیفیت حکمرانی رابطه منفی با ضریب جینی دارد (Khosroabad, 2016).

۲-۲-۲. مطالعات خارجی

شفیق و حق (۲۰۰۶) در مقاله‌ای تحت عنوان حکمرانی و نابرابری درآمد، به بررسی تأثیر شاخص کیفیت حکمرانی روی رشد اقتصادی و توزیع درآمد برای کشورهای عضو سارک طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۶ پرداخته‌اند، آن‌ها برای بررسی ارتباط این دو متغیر از شاخص رفاه سن (۱۹۷۴) استفاده نموده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های کیفیت حکمرانی، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشند (Shafique and Haq, 2006).

اکرام و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر حکمرانی ضعیف و نابرابری درآمد بر فقر در پاکستان طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۸۴ از طریق الگوی خودرگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL) پرداختند. نتایج این مقاله، رابطه مثبت بین فقر و نابرابری درآمد در روند کوتاه‌مدت و بلندمدت را نشان می‌دهد (Akram et. al, 2011).

کوترا و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی رابطه اندازه دولت، فساد و دموکراسی برای دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۵ برای ۸۲ کشور پرداخته‌اند. آنان در این پژوهش از روش داده‌های تابلویی برای بررسی این ارتباط استفاده نموده‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که افزایش در اندازه دولت به شرط افزایش دموکراسی باعث کاهش فساد می‌شود، در مقابل، اگر سطح دموکراسی پایین باشد، اندازه دولت باعث فساد می‌شود (Kotera et. al, 2012).

کار و ساها (۲۰۱۲) به بررسی رابطه فساد، اقتصاد سایه‌ای و نابرابری درآمدی در کشورهای آسیایی پرداختند نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که شاخص درک فساد و شاخص^۵ ICRG به متغیرهای کلان اقتصادی حساس است و با بزرگ شدن اقتصاد سایه‌ای در این کشورها، نابرابری درآمدی تنزل می‌یابد (Kar and Saha, 2012).

مهدوی (۲۰۱۴)، به تحلیل رابطه بین فساد و درآمد نفتی در کشورهای نفت‌خیز پرداخته است. برای بررسی این ارتباط از ۳۹ کشور تولیدکننده نفت طی دوره زمانی ۱۹۹۷-۲۰۱۳ استفاده شده است. نتایج بدست آمده بیانگر وجود فساد بالا در کشورهای نفت‌خیز است (Mahdavi, 2014).

⁵ International Country Risk Guide (ICRG).

هونینو (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی بر بهبود مخارج بخش سلامت و بهداشت با روش GMM برای ۴۳ کشور آفریقایی طی دوره زمانی ۱۹۹۶ - ۲۰۱۲ می‌پردازد، نتایج نشان می‌دهد که مخارج بهداشتی سرانه در کنار شاخص حکمرانی، باعث بهبود بخش بهداشت و سلامت می‌شوند (Houeninvo, 2014).

دی آنوفریو و مارو (۲۰۱۳) به بررسی ارتباط بین توسعه بانک‌های محلی و نابرابری درآمدها در کشور ایتالیا طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۰ پرداختند. برای این منظور آن‌ها از روش پنل دیتا استفاده نمودند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که بین توسعه بانک‌های محلی و نابرابری درآمدها در شهرهای گوناگون کشور ایتالیا ارتباط معناداری وجود دارد و توسعه بانک‌های محلی موجب کاهش نابرابری درآمدی در شهرهای کشور ایتالیا طی دوره مورد مطالعه شده است (D'Onofrio & Murro, 2013).

مالینن (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین تسهیلات بانک‌ها و نابرابری درآمدی در کشورهای توسعه یافته طی سال‌های ۱۹۵۹-۲۰۰۸ پرداخت. وی با استفاده از مدل پنل دیتا و آزمون علیت گرانجری به تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش مبادرت ورزید. نتایج پژوهش وی نشان داد که بین تسهیلات بانکی و نابرابری درآمدی در کشورهای توسعه یافته همبستگی بلندمدت وجود دارد (Malinen, 2014).

چه سلیمان و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بلندمدت نابرابری درآمد و رشد اقتصادی: شواهد مالزی با روش ARDL طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۴ به تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که نابرابری درآمد و رشد اقتصادی در مالزی از فرضیه کوزنتس حمایت می‌کند به عبارت دیگر، افزایش اولیه تولید ناخالص داخلی سرانه منجر به افزایش نابرابری درآمد خواهد شد. همچنین ضرایب برآورد شده برای متغیرهای آموزش و سرمایه گذاری مستقیم خارجی نشان داد که در بلندمدت و کوتاه مدت، نابرابری درآمد را در کشور بهبود می‌بخشد. از سوی دیگر، باز بودن تجارت باعث افزایش نابرابری درآمد در بلندمدت خواهد شد (Sulaiman. et .al, 2017).

گرافلند و لويس (۲۰۱۸)، رابطه آزادی اقتصادی، نابرابری درآمد و رضایت از زندگی در کشورهای OECD را با روش پنل دیتا طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۰ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که آزادی مالی، تجارت آزاد و آزادی از مقررات دولتی، نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد، در حالی که پول نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. همچنین نابرابری درآمد، تأثیر منفی بر رضایتمندی از زندگی دارد. نتایج تست‌های میانجی‌گری نشان داد که بهبود نابرابری درآمد می‌تواند موثرتر از آزادی مالی، تجارت آزاد و آزادی از قوانین دولتی بر رضایت از زندگی باشد (Graafland & Lous, 2018).

۳-۲-۲- جمع‌بندی مطالعات و نوآوری پژوهش

پژوهش حاضر نسبت به مقالات اشاره شده و نیز پژوهش‌های دیگر موجود در این زمینه دارای تفاوت‌هایی است. نخست اینکه تاکنون در باب موضوع به طور مستقیم مطالعه‌ای صورت نگرفته و دوم آنکه این پژوهش از بعد متغیرهای به کار رفته در الگو و روش بررسی ارتباط متغیرها با سایر مطالعات تفاوت دارد. از سوی دیگر بیشتر مطالعات بدون شاخص‌سازی حکمرانی انجام گرفته‌اند و بدون توجه به اندازه دولت کشورها را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. از این رو در این پژوهش با به‌کارگیری مدل‌های اقتصادسنجی به بررسی ارتباط غیر خطی و نقش اندازه دولت در تاثیر شاخص کیفیت حکمرانی، آزادی اقتصادی و تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی با توزیع درآمد با استفاده از رگرسیون آستانه‌ای پرداخته‌ایم.

۳- روش شناسی تحقیق

۳-۱- روش تحقیق و برآورد الگو

در تحقیق حاضر، کلیه اطلاعات و داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. داده‌های آماری شامل سری‌های زمانی مربوط به دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۴ می‌باشند. داده‌های مربوط به آزادی اقتصادی، تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی، شاخص کیفیت حکمرانی از وب سایت اقتصاد جهانی^۶ و توزیع درآمد از پایگاه داده‌های سری زمانی بانک جهانی استخراج شده‌اند. با توجه به اینکه بانک جهانی برای محاسبه شاخص کیفیت حکمرانی، شاخص عددی برآورد نکرده است، در چارچوب مبانی نظری بیان شده میانگین ساده حسابی شش شاخص مذکور، براساس مطالعه گانی و دانکن^۷ (۲۰۰۴) به عنوان شاخص کیفیت حکمرانی محاسبه شده است. با توجه به اینکه برای تصریح یک الگوی غیرخطی، براساس متون اقتصادسنجی ابتدا تصریح مدل خطی جهت ایجاد یک الگوی پایه برای آزمون کردن فرضیه خطی بودن مدل انجام می‌شود، مدل خطی مورد بررسی در این پژوهش با توجه به نقش اندازه دولت در تاثیر شاخص کیفیت حکمرانی، آزادی اقتصادی و تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی بر توزیع درآمد به صورت زیر می‌باشد که در آن متغیرهای مستقل و وابسته به صورت بدون لگاریتمی در نظر گرفته شده‌اند:

$$Gi\ it = \beta_0 + \beta_1 sg_{it} + \beta_2 ef_{it} + \beta_3 ho_{it} + \beta_4 ps_{it} + U_{it} \quad (1)$$

در این مدل:

$Gi\ it$ نشان‌دهنده ضریب جینی کشور^۱-ام در سال t می‌باشد.

^۶ the global economy.

^۷ Gani and Duncan

sg_{it} نشان‌دهنده اندازه دولت در کشور i -ام در سال t می‌باشد.
 ef_{it} نشان‌دهنده آزادی اقتصادی در کشور i -ام در سال t می‌باشد.
 $hoit$ نشان‌دهنده شاخص حکمرانی خوب در کشور i -ام در سال t می‌باشد.
 ps_{it} نشان‌دهنده تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی در کشور i -ام در سال t می‌باشد.

به منظور بررسی تأثیر غیرخطی بودن (تأثیر آستانه‌ای) شاخص اندازه دولت بر توزیع درآمد تابع (۱) را به صورت رگرسیون آستانه‌ای شکل معادله (۲) می‌نویسیم.

$$G_{it} = (\beta_{10} + \beta_{11}ef_{it} + \beta_{12}hoit + \beta_{13}ps_{it}) \cdot I(SG_{it} \leq OSG1) +$$

$$(\beta_{20} + \beta_{21}ef_{it} + \beta_{22}hoit + \beta_{23}ps_{it}) \cdot I(OSG1 < SG_{it} \leq OSG2) +$$

$$(\beta_{30} + \beta_{31}ef_{it} + \beta_{32}hoit + \beta_{33}ps_{it}) \cdot I(sg > OSG2) + U_{it} \quad (2)$$

$$A[sg > osg] = \begin{cases} 1 & \text{if } sg > osg \\ 0 & \text{if } sg \leq osg \end{cases}$$

که در آن، β از متغیرهای توضیحی بوده و پارامتر OSG آستانه شاخص اندازه دولت را منعکس می‌سازد. مقدار آستانه نقطه‌ای است، که در آن، مجموع مربعات خطا در مدل حداقل باشد. برای به دست آوردن مقدار آستانه، برای هر مقدار ممکن آستانه یک رگرسیون به شکل معادله (۲) برآورد می‌شود و مجموع مربعات پسماند متناظر، (OSG) S محاسبه می‌گردد. مقدار آستانه، OSG^* ، آن مقداری است که در آن $S(OSG)$ حداقل باشد. در الگوهای غیرخطی واکنش یک متغیر نسبت به تغییرات سایر متغیرها به صورت غیرخطی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یک موضوع آماری مهم آزمون خطی بودن در مقابل غیرخطی بودن می‌باشد که با استفاده از مدل‌های آستانه‌ای می‌توان خطی یا غیرخطی بودن را آزمون نمود. در ادامه قبل از تخمین الگو لازم است که پایایی متغیرهای الگو بررسی شود تا در دام رگرسیون کاذب گرفتار نشویم. پس از اطمینان از پایایی متغیرهای تحقیق، به بررسی آزمون خطی بودن هانسن می‌پردازیم تا اطمینان حاصل کنیم که آستانه برآورد شده در مدل غیرخطی از نظر آماری معنی‌دار است. پس از حصول اطمینان از معنی‌داری مدل آستانه‌ای و رد فرضیه خطی بودن مدل به برآورد مدل آستانه‌ای می‌پردازیم.

۲-۳- آماره‌های توصیفی

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین، میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار^۸، چولگی^۹ و کشیدگی^{۱۰} انجام پذیرفته است. نزدیک بودن مقدار میانگین و میانه، تقارن داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های آمار توصیفی

Table1: Descriptive Statistics Indicators

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی	حداکثر	حداقل
ضریب جینی	۳۵/۱۹	۳۳/۳۵	۸/۳۲	۲/۸۶	۰/۹۰	۵۹/۵۰	۲۳/۷۰
اندازه دولت	۶/۱۵	۶/۲۷	۱/۴۹	۳/۰۱	-۰/۲۶	۹/۱۵	۰/۰۱
آزادی اقتصادی	۷/۲۱	۷/۳۷	۰/۷۷	۳۵/۷۷	-۴/۰۹	۸/۵۲	۰/۰۰
شاخص حکمرانی خوب	۶۷/۹۲	۷۴/۲۷	۲۴/۷۱	۲/۰۳	-۰/۵۳	۱۰۰/۰۰	۱۵/۶۰
تسهیلات بخش خصوصی	۸/۵۴	۹/۰۸	۱/۸۰	۱۰/۹۵	-۲/۵۲	۱۰/۰۰	۰/۰۱

Source: Author's Computations

مأخذ: محاسبات تحقیق

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقدار چولگی و کشیدگی متغیر ضریب جینی فاصله کمتری با صفر دارد (مقدار چولگی و کشیدگی برای توزیع نرمال صفر است) یعنی توزیع متغیر وابسته (ضریب جینی) از این نظر متفاوت توزیع نرمال است، همچنین توزیع متغیر ضریب جینی، توزیعی چوله به راست است زیرا مقدار چولگی آن‌ها مثبت و بزرگ‌تر از مقدار صفر است اما متغیرهای اندازه دولت، آزادی اقتصادی، شاخص حکمرانی خوب و تسهیلات بخش خصوصی چوله به چپ دارند.

۳-۳- برآورد مدل و نتایج آزمون فرضیه‌ها

در این قسمت، قبل از آزمون فرضیه‌ها و بررسی رابطه متغیرهای تحقیق، پایایی متغیرها در را مورد هر یک از کشورها مورد بررسی قرار می‌دهیم. در ابتدا به بررسی ایستایی یا پایایی متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود. پایایی متغیرهای پژوهش بدان معنی است که، میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل، باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. به منظور بررسی پایایی، از آزمون لوین لین چو استفاده شده است. براساس این آزمون، چون مقدار احتمال کمتر از ۵ درصد بوده است، در

⁸ Std. Dev.

⁹ Skewness

¹⁰ Kurtosis

طی دوره پژوهش متغیرهای حکمرانی خوب، تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی و ضریب جینی در سطح پایا و متغیرهای اندازه دولت و آزادی اقتصادی با یکبار تفاضل-گیری مانا می‌شوند. نتایج پایایی متغیرها به شرح جدول (۲) می‌باشد.

جدول ۲: نتایج حاصل از انجام آزمون لوین لین چو در سطح متغیرهای موجود در الگو

Table 2: Results of Levin Lin Cho test at the level of variables in the model

متغیر	t-Statistic/ I(0), I(1)	Prob	درجه مانایی
<i>SGit</i>	-۱۶/۰۰	۰/۰۰	(۱)I
<i>EFit</i>	-۱۶/۱۸	۰/۰۰	(۱)I
<i>HOit</i>	-۳/۵۶	۰/۰۰	(۰)I
<i>PSit</i>	-۱/۹۲	۰/۰۲	(۰)I
<i>GIit</i>	-۱۵/۸۲	۰/۰۰	(۰)I

Source: Author's Computations

مأخذ: محاسبات تحقیق

۴-۳- ناهمسانی واریانس و خود همبستگی

یکی از مفروضات معادله رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطاها می‌باشد که به عنوان فرض همسانی واریانس‌ها شناخته می‌شود. در صورتی که خطاها، واریانس ثابتی نداشته باشند، گفته می‌شود که ناهمسانی واریانس وجود دارد. فرض دیگر مدل رگرسیون خطی، صفر بودن کواریانس بین اجزای خطا در طول زمان (یا به صورت مقطعی برای انواع داده‌ها) می‌باشد. به عبارت دیگر فرض فوق مبین این است که خطاها به یکدیگر وابسته نیستند. در صورتی که خطاها غیر همبسته نباشند، به این معنی است که خود همبسته هستند و یا به صورت پیایی همبسته می‌باشند. بنابراین فروض مزبور نیازمند آزمون است. جدول (۳) وجود ناهمسانی واریانس و وجود خود همبستگی را برای تمامی فرضیه‌ها پژوهش تایید می‌کند. در این صورت، برای مشکل ناهمسانی از روش حداقل مربعات تعمیم یافته عملی (FGLS¹¹) و برای رفع مشکل خود همبستگی، از پارامتر AR(۱) یا AR(۲) هرکدام که بتواند پارامترهای مدل دارای اثرات ثابت را بخوبی تخمین بزند و روش تفاضلی -۱ و -۲ (هرکدام که بتواند پارامترهای مدل اثرات ثابت را بخوبی تخمین بزند) استفاده کرده‌ایم.

¹¹ Feasible generalized least squares

جدول ۳: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی

Table 3: Results of heteroscedasticity and Autocorrelation test

مدل کلی	آزمون فرضیه		نتیجه	آزمون فرضیه		نتیجه
	ناهمسانی واریانس			مدل کلی	خود همبستگی	
	F	P		F	P	
	۶۳۶/۷۷	۰/۰۰	دارد	۲۳/۹۳	۰/۰۰	دارد

Source: Author's Computations

مأخذ: محاسبات تحقیق

۳-۵- آزمون F لیمر و هاسمن

در این مقاله، اولین آزمون برای تشخیص انتخاب بین POOL یا PANEL بودن فرضیه‌های پژوهش، آزمون F لیمر بوده است. بنابراین باید فرض الگوی مقدار ثابت مشترک که همان همگن بودن مقاطع مختلف مورد مطالعه می‌باشد را بیازماییم، برای آزمون این فرض از آزمون F لیمر استفاده شده است. در ادامه برای انتخاب حالت‌های مختلف روش تابلویی از آزمون هاسمن استفاده می‌کنیم. در صورت رد روش تلفیقی (الگوی مقدار ثابت مشترک) محقق باید از داده‌های تابلویی استفاده کند و برای تعیین نوع داده‌های تابلویی (انتخاب الگوی اثرات ثابت یا الگوی اثرات تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج این آزمون‌ها در جداول زیر نشان داده شده است.

جدول ۴: آزمون F لیمر و هاسمن مربوط به فرضیه پژوهش

Table 4: F-Limer and Hausmann test related to the research hypothesis

فرضیه	لیمر		تعیین مدل	هاسمن		تعیین الگو
	F	P		Chi-squar	P	
مدل کلی	۱۱/۵۰	۰/۰۰	پانل (داده‌های- تابلویی)	۶۳/۸۹	۰/۰۰	اثرات ثابت

Source: Author's Computations

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به مقادیر بدست آمده، از آنجایی که مقدار P.value آزمون F لیمر کمتر از سطح معنی‌داری ۵ درصد می‌باشد، داده‌ها از نوع داده‌های تابلویی (پانل دیتا) هستند، همچنین از آنجایی که مقدار P.value آزمون هاسمن کمتر از سطح معنی‌داری ۵ درصد می‌باشد، نتایج حاصل از بررسی حالت‌های داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که باید از الگوی اثرات ثابت استفاده نماییم. پس از تأیید مفروضات رگرسیون در مورد تمام متغیرهای تحقیق، از طریق برآورد داده پانل به آزمون فرضیه کلی پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Stata می‌پردازیم.

۳-۶- تخمین نهایی مدل

با توجه به نتایج آزمون‌های تشخیصی که در قسمت‌های قبل بیان شد، مدل در نظر گرفته شده دارای خود همبستگی سریالی و همچنین واریانس ناهمسانی می‌باشد. در نتیجه برای رفع این مشکلات باید با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته عملی تخمین نهایی را انجام داد. نتایج حاصل از این تخمین در جدول شماره (۵) نشان داده می‌شود.

جدول ۵: تخمین نهایی مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته عملی

Table 5: The estimate of the model using the Feasible generalized least squares

نام متغیر	مقدار ضریب	آماره محاسباتی	احتمال
<i>SGit</i>	۱/۰۲	۶/۰۱	۰/۰۰
<i>EFit</i>	-۱/۰۷	-۳/۰۴	۰/۰۰
<i>HOit</i>	-۰/۱۱	-۷/۱۶	۰/۰۰
<i>PSit</i>	-۰/۰۰۰۳	-۰/۰۱	۰/۹۹
c	۴۴/۵۸	۲۳/۰۸	۰/۰۰
Ramsey Test = ۰/۰۵	آماره والد (Chi2)	۲۲۸/۲۵	۰/۰۰

Source: Author's Computation

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول شماره (۵) می‌توان بیان کرد که علامت همه متغیرهای برآورد شده با مبانی نظری، مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در این زمینه مطابقت دارد. به عبارت دیگر همه متغیرهای الگو به جز متغیر تسهیلات اعطایی بخش خصوصی در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که متغیرهای آزادی اقتصادی و حکمرانی خوب به ترتیب به میزان ۱/۰۷ و ۰/۱۱ درصد تأثیر منفی معنی‌دار و متغیر اندازه دولت به میزان ۱/۰۲ درصد تأثیر مثبت معنی‌دار بر توزیع درآمد کشورهای منتخب دارد. همچنین براساس نتایج بدست آمده، آزمون تصریح الگوی رمزی رضایت بخش نیست که نشان‌دهنده خطای تصریح مدل خطی می‌باشد که نتیجه مذکور این احتمال را تقویت می‌کند که رابطه غیرخطی به الگوی واقعی نزدیک‌تر می‌باشد.

۳-۷- برآورد مدل آستانه‌ای

همان‌گونه که اشاره شد، هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی نقش اندازه دولت در تأثیر متغیرهای نهادی بر توزیع درآمد می‌باشد. بر این اساس از روش رگرسیون آستانه‌ای برای رسیدن به هدف یاد شده استفاده می‌شود. برای این که بتوان به این مهم دست یافت ابتدا باید آزمون‌های اثر آستانه‌ای و سطح آستانه را محاسبه نمود و سپس با استفاده از سطح آستانه بدست آمده تخمین نهایی مدل را انجام داد. در جدول (۶)

نتایج آزمون اثر آستانه‌ای ارائه شده است. نتایج حاصل از آزمون اثر برای متغیر آستانه اندازه دولت نشان داد که، مقدار آماره F در وضعیت دو آستانه‌ای بزرگ‌تر از مقدار بحرانی در سطح معنی‌داری ۵ درصد می‌باشد. بنابراین با توجه به مقدار احتمال بوت استرپ (۰/۰۲)، فرض صفر یعنی خطی بودن مدل پذیرفته نمی‌شود و لذا تاثیر غیرخطی اندازه دولت تایید می‌شود. به عبارت دیگر مطابق با مقدار F بدست آمده و نیز مقدار سطح خطای متناظر با آن می‌توان استنباط کرد که با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه H_0 رد می‌شود و در نتیجه مقدار آستانه معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۶: نتایج آزمون اثر آستانه‌ای و مقادیر بحرانی

Table 6: Test results of threshold effect test and critical values

حد آستانه	F STAT	ارزش احتمال	در سطح ۱۰٪	در سطح ۵٪	در سطح ۱٪
تکی	۱۰/۱۲	۰/۷۰	۱۶/۴۷	۲۰/۳۸	۲۹/۴۸
دوتایی	۳۴/۰۸	۰/۰۲	۱۸/۵۰	۲۰/۴۸	۳۵/۸۵

Source: Author's Computation

مأخذ: محاسبات تحقیق

۳-۷-۱- محاسبه سطح آستانه

مقداری که برای سطح آستانه انتخاب می‌شود مقداری است که براساس آن، میزان واریانس جملات خطا در مدل حداقل شود. این مقدار توسط نرم‌افزار به صورت اتوماتیک محاسبه می‌شود. نتایج بدست آمده در جدول زیر بیان می‌شود:

جدول ۷: متغیر آستانه‌ای در سطح معنی‌داری ۹۵٪

Table 7: Threshold variable at a significant level of 95%

نوع مدل	مقدار آستانه	حد پایین	حد بالا
آستانه اول	۷/۸۵	۷/۷۳	۷/۸۶
آستانه اول و دوم	۸/۱۵	۸/۱۳	۸/۱۶
آستانه دوم	۸/۱۶	۸/۱۱	۸/۱۹

Source: Author's Computation

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به این که در سطح معنی‌داری ۹۵٪، مقدار صفر در فاصله بین حد پایین و بالا قرار نگرفته است، مقدار یاد شده از نظر آماری معتبر است. به عبارت دیگر چون بازه برآورد شده عدد صفر را شامل نمی‌شود، می‌توان بیان نمود که مقدار آستانه معنی‌دار خواهد بود.

۲-۷-۳- برآورد مدل با در نظر گرفتن سطح آستانه

جدول ۸: تخمین مدل با در نظر گرفتن مقدار آستانه

Table 8: Estimate the model by considering the threshold value

	دولت بزرگ		دولت کوچک	
	$SGit > ۸/۱۶$		$SGit \leq ۷/۸۵$	
احتمال	مقدار ضریب	احتمال	مقدار ضریب	متغیر
۰/۰۰	-۰/۸۶	۰/۰۰	-۰/۸۰	$EFit$
۰/۰۵	-۰/۰۳	۰/۰۵	-۰/۰۲	$HOit$
۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۱۰	$PSit$
۰/۰۰	۲۵/۹۳	۰/۰۰	۲۴/۳۶	c
	$R^2=۰/۳۵$	۰/۰۰	آماره $F(۳۶, ۴۰۲)$	

Source: Author's Computation

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره (۸)، نتایج تخمین را در حالت آستانه‌ای نشان می‌دهد. مطابق نتایج ارائه شده زمانی که متغیر آستانه اندازه دولت است، $F1=۱۵۲/۶۲$ است. مقدار این آماره وجود يك آستانه را در سطح ۹۹ درصد تأیید می‌کند که مقدار این آستانه $۷/۸۵$ درصد بوده و نشان می‌دهد زمانی که اندازه دولت به $۷/۸۵$ درصد می‌رسد تابع توزیع درآمدی دچار شکست می‌شود و نحوه اثر متغیرهای الگو بر میزان توزیع درآمد تغییر می‌کند. در مرحله بعد جستجو برای یافتن آستانه دوم نشان می‌دهد که وقتی اندازه دولت $۸/۱۶$ درصد است، بار دیگر نحوه تأثیر آزادی اقتصادی، تسهیلات اعطایی بخش خصوصی و حکمرانی خوب بر توزیع درآمد تغییر می‌کند. مقدار آماره در این حالت $F2=۱۵۱/۰۹$ است که وجود آستانه دوم را تأیید می‌کند. با توجه به این که مقدار آستانه معنی‌دار بوده است تأثیر ضرایب به‌دست‌آمده در مدل متأثر از میزان آستانه‌ای به‌دست آمده می‌باشد.

براساس این نتایج در سطح معنی‌داری ۹۹٪، تأثیر متغیر آزادی اقتصادی در هر دو رژیم، یعنی هم زمانی که اندازه دولت پایین‌تر از میزان آستانه باشد و هم زمانی که اندازه دولت بالاتر از میزان آستانه باشد معنادار است. در صورتی که آزادی اقتصادی از سطح آستانه کمتر باشد، یک درصد افزایش در آزادی اقتصادی، میزان توزیع درآمد را $۰/۸۰$ درصد کاهش می‌دهد و اگر اندازه دولت از میزان آستانه بالاتر باشد، یک درصد تغییر در آزادی اقتصادی، میزان توزیع درآمد را به میزان $۰/۸۶$ درصد کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر در مقادیر بالاتر از آستانه (رژیم اندازه دولت)، آزادی اقتصادی، تأثیر کاهشی بیشتری بر توزیع درآمد نسبت به مقادیر پایین‌تر از آستانه دارد. کارتر^۲ (۲۰۰۶)

12 Carter

علت رابطه منفی بین آزادی اقتصادی و توزیع درآمد را وجود یک رابطه غیرخطی می‌داند. نتایج بدست آمده تایید کننده فرضیه جبران^{۱۳} می‌باشد که توسط کامرون^{۱۴} (۱۹۷۸) بیان شده است. این دیدگاه بیان می‌کند که مخارج عمومی باید در کشورهای آزادتر به دلیل تمایل دولت برای کنترل سهم بزرگ‌تری از منابع کشور، بیشتر باشد. بر اساس این دیدگاه کشورهای بازتر در برابر تقاضای خارجی و شوک‌های عرضه آسیب‌پذیر بوده و بیشتر در معرض نابرابری اقتصادی قرار دارند. بنابراین یک دولت بزرگ‌تر ممکن است در کاهش خطرات خارجی و ایجاد ثبات اقتصادی از طریق توزیع مجدد درآمد و یا دیگر اشکال برنامه‌های اجتماعی موفق‌تر باشد.

همچنین مشاهده می‌شود که در سطح معنی داری ۹۹٪، تأثیر متغیر حکمرانی در هر دو رژیم، یعنی هم زمانی که اندازه دولت پایین‌تر از میزان آستانه باشد و هم زمانی که اندازه دولت بالاتر از میزان آستانه باشد معنادار است. در صورتی که حکمرانی از سطح آستانه کمتر باشد، یک درصد افزایش در حکمرانی، میزان توزیع درآمد را ۰/۰۲ درصد کاهش می‌دهد و اگر اندازه دولت از میزان آستانه بالاتر باشد، یک درصد تغییر در حکمرانی، میزان توزیع درآمد را به میزان ۰/۰۳ درصد کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر در مقادیر بالاتر از آستانه (رژیم اندازه دولت) حکمرانی، اثر کاهشی بیشتری بر میزان توزیع درآمد نسبت به مقادیر پایین‌تر از آستانه دارد. از آنجا که بزرگ‌تر شدن اندازه دولت، به مفهوم کاهش مخارج دولتی می‌باشد، نتایج بدست آمده بیانگر این است که دولت‌ها از طریق حاکمیت مناسب و باثبات به منظور کنترل فساد، فراهم ساختن محیط مقرراتی و قانونی برای توسعه کسب و کارها، شفافیت‌سازی و ایجاد انگیزه در بخش خصوصی به منظور مشارکت در تامین سرمایه لازم برای توسعه و رشد اقتصادی، می‌توانند موجبات کاهش میزان نابرابری توزیع درآمد را فراهم نمایند. به عبارت دیگر بیانگر این نکته است که با بهبود کیفیت نهادی در جامعه وضعیت نابرابری کمتر خواهد شد. بدین ترتیب، بهبود کیفیت نهادی در جامعه از طریق کاهش ریسک اقتصادی و مالی و نیز بهبود وضعیت حاکمیت قانون به گونه‌ای که وضعیت اقتصادی در آینده قابل پیش‌بینی باشد، می‌تواند به بهتر شدن شرایط نابرابری کمک کند.

به‌علاوه براساس این نتایج در سطح معنی‌داری ۹۹٪، تأثیر متغیر تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی در هر دو رژیم، یعنی هم زمانی که اندازه دولت پایین‌تر از میزان آستانه باشد و هم زمانی که اندازه دولت بالاتر از میزان آستانه باشد معنادار است. در صورتی که تسهیلات اعطایی از سطح آستانه کمتر باشد، یک درصد افزایش در تسهیلات اعطایی، میزان توزیع درآمد را ۰/۱۰ درصد افزایش می‌دهد و اگر اندازه دولت از میزان

¹³ Compensation Hypothesis

¹⁴ Cameron

آستانه بالاتر باشد، یک درصد تغییر در تسهیلات اعطایی، میزان توزیع درآمد را به میزان ۰/۱ درصد افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر در مقادیر بالاتر از آستانه (رژیم اندازه دولت)، تسهیلات اعطایی، اثر بیشتری بر نابرابری توزیع درآمد نسبت به مقادیر پایین‌تر از آستانه دارد. با توجه به اینکه در دوره مورد بررسی، تسهیلات اعطایی بخش خصوصی کاهش یافته است نتایج بدست آمده بیانگر این است که در دولت‌های بزرگ با مخارج دولتی کمتر، تضعیف بخش خصوصی میزان نابرابری درآمد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر نتایج بدست آمده لزوم حمایت از بخش خصوصی به منظور کاهش توزیع نابرابری درآمد را تایید می‌کند. نتایج بدست آمده با مطالعات داخلی و خارجی همچون مطالعات خسرو آبادی و همکاران (۱۳۹۵)، مالینن (۲۰۱۴)، دی آنوفریو و مارو (۲۰۱۳) و.... یکسان است.

۴- جمع بندی و نتیجه گیری

نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند، یا به عبارتی سنجیده‌تر قیودی وضع شده از جانب نوع بشر هستند که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها سبب هدفمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادله‌های بشری می‌شوند؛ چه این مبادلات اجتماعی باشند، چه سیاسی و چه اقتصادی. بررسی مطالعات موجود و نتایج برآورد شده در این زمینه (نائینی و غفاری (۱۳۹۴) و شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵)) حاکی از آن است که دیدگاه‌های متفاوتی در مورد میزان رابطه این متغیرها وجود دارد. لازم به ذکر است که این پژوهش به منظور پاسخگویی به این پرسش اصلی تحقیق، که اندازه دولت چگونه متغیرهای نهادی تأثیرگذار بر توزیع درآمد را در کشورهای منتخب به صورت معنی‌داری متأثر می‌سازد، صورت گرفته است. نتایج تخمین مدل خطی حاکی از آن است که یک الگوی خطی قادر نیست به خوبی نقش اندازه دولت را در تأثیر متغیرهای نهادی بر توزیع درآمد تبیین نماید. در مدل پنل و بدون در نظر گرفتن حد آستانه، نتایج بدست آمده بیانگر رابطه مثبت و معنی‌دار متغیر اندازه دولت و رابطه منفی و معنی‌دار متغیرهای شاخص کیفیت حکمرانی، آزادی اقتصادی بر توزیع درآمد می‌باشد.

در ادامه به منظور بررسی نقش اندازه دولت در تأثیر شاخص کیفیت حکمرانی، آزادی اقتصادی و تسهیلات اعطایی بخش خصوصی بر توزیع درآمد در ۳۷ کشور منتخب، از روش رگرسیون آستانه‌ای داده‌های ترکیبی برای بازه زمانی ۲۰۰۴-۲۰۱۵ استفاده شد. پس از محاسبه حد آستانه شاخص اندازه دولت در رژیم‌های متفاوت برآورد شد. نتایج نشان داد که در حد آستانه بالاتر از ۸/۱۶ درصد اثر گذاری شاخص کیفیت حکمرانی، آزادی اقتصادی و تسهیلات اعطایی بخش خصوصی بر توزیع درآمد بیشتر از حد آستانه ۷/۸۵ می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود سیاست‌هایی در جهت

بهبود شاخص‌های حکمرانی و آزادی اقتصادی از طریق تنظیم مقررات، افزایش آگاهی بخشی و شفافیت در امور اجرایی اتخاذ شود. همچنین با توجه به اینکه در حدآستانه بالاتر از ۸/۱۶ درصد اندازه دولت، تسهیلات اعطایی بخش خصوصی تاثیر مثبت بر توزیع درآمد دارد پیشنهاد می‌شود سیاست‌هایی در جهت کاهش اندازه دولت متناسب با رشد بخش خصوصی اتخاذ شود.

قدردانی: از داوران محترم بابت پیشنهادات ارزنده‌شان در بهبود این مقاله تشکر می‌کنیم.

Acknowledgments

We thank the referees for comments that greatly improved the manuscript.

تضاد منافع: نویسنده مقاله اعلام می‌کند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافی وجود ندارد.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.

Reference

- Abdellatif, A. M. (2003). *Good governance and its relationship to democracy and economic development*. In Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity, Seoul. 20, 31-40.
- Akbari, N., Farahmand, S., & Jamali, S. (2011). Spatial analysis of the effect of government fiscal policies on income inequality in Iran (GWR Approach). *Journal of Quantitative Economics*, 8(3), 1-29. in Persian.
- Akram, Z., Wajid, S., Mahmood, T., & Sarwar, S. (2011). Impact of poor governance and income inequality of poverty in Pakistan. *Far East Journal of Psychology and Business*, 4(3), 43-55.
- Askari, M., (2010). *The impact of oil revenues on the creation of a rentier government and democracy*. *Journal of Political Science*, 13, 197-181. In Persian.
- Baradaranshoraka , H., & MalekSadati, S. (2008). Governance Quality s Asia Development Key. *Journal of Strategy*, 42(13), 359-383. in Persian.
- Bashiri, A., & Shaghaghi Shahri, V. (2011). Good Governance Corruption and Economic Growth An economic approach to good governance. *Journal of Business Reviews*, 48 (1), 69-81. in Persian.
- Carter, J.R. (2006). *A note on economic freedom and income inequality*, *Public Choice*, 130, 163–177.
- Cameron, D. (1978). *The Expansion of the Public Economy: a Comparative Analysis*, *American Political Science Review*, 72.1243-1261.
- D'Onofrio, A., & Murro, P. (2013). Local banking development and income distribution across Italian provinces. *Italian Economic Journal*, 4(3), 58-71.
- Gani, A., & Duncan, R. (2004). Fiji's governance index, paper presented to the Fiji Update, organized by the Australian National University and the University of the South Pacific, *University of the South Pacific*, Suva.1-39.
- Graafland, J., & Lous, B. (2018). Economic freedom, income inequality and life satisfaction in OECD countries. *Journal of Happiness Studies*, 19(7), 2071-2093.
- Gupta, S., Davoodi, H., & Alonso-Terme, R. (2002). Does corruption affect income inequality and poverty?. *Economics of governance*, 3(1), 23-45.

- Hilaire, H. G. (2016). *Does good governance improve public health expenditure-health outcomes nexus? New empirical evidence from Africa*. Faculty des Sciences Economiques et de Gestion (FASEG), 1, 1-24.
- Hoseini, S., & Najafi, S. (2009). Income Distribution in Rural and Urban Areas of Iran (1363-1386). *Agricultural Economics Research*, 1(3), 147-165. In Persian.
- Jalali Naeini, A.R., & Ghaffari, M. (2015). Experimental study of the effect of institutional quality on inequality. *Journal of Planning and Budgeting*, 20(3), 163-145. in Persian.
- Jasbi, J., & Nafri, N. (2009). Designing a Good Governance Model Based on Open System Theory, *Iranian Journal of Management Sciences*, 4 (16), 117-85. In Persian.
- Kabiri, A., (2010). *Sociological explanation of good governance* (PhD thesis), Faculty of Humanities, Tarbiat Modarres University. In Persian.
- Kar, S., & Saha, S. (2012). Corruption, shadow economy and income inequality: evidence from Asia. *Discussion Paper .IZA DP*, 7106, 1-34.
- Kaufmann, D., & Institution, B. (2010) .The Worldwide Governance Indicators. *Policy research working paper, world bank*, 5430, 2-28
- Khosroabad, M., Zayanderood, M., & Shakibae, A. (2016). The Effect of Good Governance Indicators on Income Inequality Selected Countries Southwest Asia and the Countries of the Organization for Economic Cooperation and Development. *Social Welfare Quarterly*; 16 (61),159-185. In Persian.
- Kigongo-bukenya, I. M. N., & kaddu, S. (2010). Enhancing democracy and good governance: A curriculum proposal for information and knowledge management professionals in the SCECSAL region. *Library review*, 60(5), 362-369.
- Kotera, G., Okada, K., & Samreth, S. (2012). Government size, democracy, and corruption: An empirical investigation. *Economic Modelling*, 29(6), 2340-2348.
- Maidari, A., & Khairkhahian, J., (2004). A comparative study of the theory of good governance with the teachings and manners of Imam Ali's government. *In the collection of articles on the Quality Management Index of the Development Foundation*, the Office of Economic Studies of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly. 479-517. In Persian.

- Malinen, T. (2016). *Does income inequality contribute to credit cycles?*. The Journal of Economic Inequality, 14(3), 309-325.
- Mehdiloo, A., Sadeghi, H., Assari Arani, A. (2015). Estimation of Non-Linearity Effect of Rent-Seeking Opportunities on Economic Growth in Iran: Using Markov-Switching Model. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 5(18), 30-11. In Persian.
- Mohammadzadeh, Y., Hekmati Farid, S., & Sharifi, E. (2017). The Effect of Government Size on Good Governance and Economic Performance of Selected Countries. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 7(26), 97-112. In Persian..
- Moore, B. (1966). "Social Origins of Dictatorship and Democracy". *Boston: Beacon Press*.
- Naderi, M.M (2011). *Good governance, brief introduction and critique of Islam*. Journal of Management research, 1, 94-69. In Persian.
- Nematnejad, k,. (2015). *The effect of quality regulation on income distribution in the group of high-income countries*. Conference Paper, International Conference on Management, Economics and Industrial Engineering. In Persian.
- Ranjbar, Homayoun; Samati, Morteza; Farahbakhsh, Maryam and Mohseni, Fazilat (2012). Analysis of the relationship between oil revenues and quality and economic growth (a case study of OPEC member countries). *Conference Paper, The first regional conference on national production, labor protection and Iranian capital. Islamic Azad University, Bandar Gaz Branch*. In Persian.
- Rose-Ackerman, S., & Palifka, B. J. (2016). "Corruption and Government: Causes, Consequences, and Reform". *Cambridge University Press*.
- Sardarnia, Kh. (2009). *The Effect of Social Capital on Good Governance*, Journal of Economic and Political Information, 23 (260) 132-145. In Persian.
- Sameti, M., Ranjbar, H., & Mohseni, F. (2012). The Effect of Good Governance Indicators on Human Development Index: the Case of ASEAN Countries. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 1(4), 223-183.
- Sepehrdoust, H., Rajabi, F., & Barooti, M. (2015). The Impact of Good Governance on Income Performance of Tax System. *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 2(2), 103-126. In Persian.

- Shakibaei, A., Khosrowabadi, M., & Zayandeh Rudi, M. (2016), The Effect of Good Governance Indicators on Income Inequality Selected Countries Southwest Asia and the Countries of the Organization for Economic Cooperation and Development, *Social Welfare Quarterly*, 16(61), 159-185. In Persian.
- Shafique, S., Haq, R., & Arif, G. M. (2006). Governance and Inequality [with Comments]. *The Pakistan Development Review*, 751-760.
- Shahabadi, A., Amiri, B., & Sarigol, S. (2016). Institutions and Income Equality (Case Study: Selected Non-Aligned Movement Countries). *Economics Research*, 16(61), 155-179. In Persian.
- Shahabadi, A., & Pourjavan, A. (2010). Governance, Competitiveness and Economic Growth in Selected Countries. *Journal of Development Strategy*, 2 (22), 168-129. In Persian.
- Shalizi, Z. (Ed.). (2003). *ustainable development in a dynamic world: transforming institutions, growth, and quality of life* (Vol. 25). World Bank Publications.
- Stowe, K. (1992). *Good piano won't play bad music: administrative reform and good governance*. *Public Administration*, 70(3), 387-394.
- Sulaiman, N. F. C., Yussof, I., Zaidi, M. A. S., & Sulaiman, N. (2017). Long Run Relationship between Income Inequality and Economic Growth: Evidence from Malaysia. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 7(6), 2222-6990.
- World Bank (2002). *World development report: Building institutions for Markets*. UK: Oxford University Press. p. 303.



© 2020 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).